

شماره ۸۹۵

تاریخ ۲۳/۲/۷۶

پیوست دارد



جمهوری اسلامی ایران
مجلس شورای اسلامی
دفتر رئیس

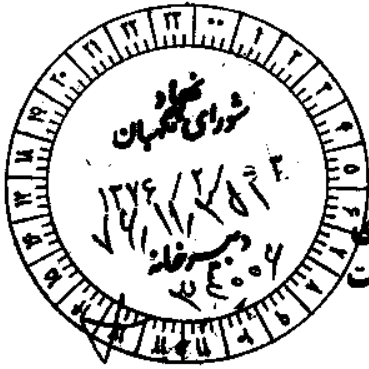


شورای محترم نگهبان

لایحه شماره ۱۵۲۳۴/۶۴۴۳۸ مورخ ۱۳۷۵/۵/۴ دولت در مورد موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ارمنستان که در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ ۱۳۷۶/۱/۳۱ مجلس شورای اسلامی عینا به تصویب رسیده است در اجرای اصل نود و چهارم قانون اساسی جهت بررسی و اظهار نظر آن شورای محترم به پیوست ارسال می گردد. ان

علی اکبر ناطق نوری

رئیس مجلس شورای اسلامی



بِسْمِ اللَّهِ

**لایحه موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری
از فرار مالی در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه بین دولت
جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ارمنستان**

ماده واحده - موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ارمنستان، مشتمل بر یک مقدمه و (۳۰) ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می شود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

**موافقتنامه اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از
فرار مالی در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه بین
دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ارمنستان**

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری ارمنستان باتمایل به انعقاد موافقتنامه ای به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالی در مورد مالیاتهای بردرآمد و سرمایه به شرح زیر توافق نمودند:

ماده ۱- اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم قلمرو یکی از دولتهای متعاقد یا قلمرو هر دو طرف باشند.

ماده ۲- مالیاتهای موضوع موافقتنامه

۱- این موافقتنامه شامل مالیات بردرآمد و مالیات بر سرمایه است که صرفنظر از چگونگی وضع آنها، از سوی یک دولت متعاقد یا مقامهای محلی آنها وضع می شود.

بسمه تعالی

۲- مالیات بر درآمد و سرمایه عبارت هستند از: کلیه مالیاتهای متعلق به کل درآمد و سرمایه یا اجزای آنها، از جمله مالیات بر عواید حاصل از نقل و انتقال اموال منقول و غیر منقول، مالیات بر کل مبالغ پرداختی موسسات تجاری بابت دستمزد یا حقوق و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه.

۳- مالیاتهای فعلی مشمول این موافقتنامه به ویژه عبارت هستند از:

الف - در مورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد،

- مالیات بر اموال.

(که از این پس مالیات مستقیم جمهوری اسلامی ایران نامیده می شود)

ب - در مورد ارمنستان:

- مالیات بر منافع،

- مالیات بر درآمد،

- مالیات بر اموال،

- مالیات بر اراضی.

(که از این پس "مالیات ارمنستان" نامیده می شود)

۴- این موافقتنامه همچنین شامل مالیاتهایی که علاوه بر مالیاتهای موجود یا به جای آنها، بعد از امضای این موافقتنامه وضع شود نیز خواهد بود، مشروط بر آنکه برابر تعریف بند (۱) این ماده همانند یا بطور اساسی مشابه آنها باشد. مقامهای صلاحیتدار کشورهای متعاقد، در مدت معقول از هر تغییری که در قوانین مربوط مالیاتیشان حاصل شود، یکدیگر را مطلع خواهند کرد.

ماده ۳- تعاریف کلی

۱- از نظر این موافقتنامه، جز در مواردی که متن مفهوم دیگری را اقتضا نماید:

الف - اصطلاح "یک دولت متعاقد" و "دولت متعاقد دیگر" بنا به اقتضای متن، اطلاق

می شود به جمهوری اسلامی ایران یا ارمنستان.

اصطلاح "جمهوری اسلامی ایران" اطلاق می شود به قلمرو تحت حاکمیت

بسمه تعالی

جمهوری اسلامی ایران.

اصطلاح "ارمنستان" اطلاق می شود به جمهوری ارمنستان و هرگاه در مفهوم جغرافیایی بکار رود، یعنی قلمرویی که جمهوری ارمنستان طبق حقوق بین الملل در آن حق حاکمیت و صلاحیت خود را اعمال می کند و قلمرویی که قوانین مالیاتیش آن را در بر می گیرد.

ب - اصطلاح "مالیات" اطلاق می شود به تمامی مالیاتهای مشمول ماده (۲) این موافقتنامه.

پ - اصطلاح "شخص" شامل یک شخص حقیقی، یک شرکت یا سایر اشخاص به هر شکل می باشد.

ت - اصطلاح "شرکت" اطلاق می شود به هر شخص حقوقی یا هر واحد که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می شود.

ث - اصطلاح "دفتر ثبت شده" به مفهوم دفتر مرکزی است که برابر قوانین مربوط هر دولت متعاقد، به ثبت رسیده باشد.

ج - اصطلاحات "موسسه تجاری یک دولت متعاقد و" موسسه تجاری دولت متعاقد دیگر" به ترتیب اطلاق می شود به موسسه تجاری که به وسیله مقیم یک دولت متعاقد و موسسه تجاری که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می شود.

چ - اصطلاح "حمل و نقل بین المللی" اطلاق می شود به هرگونه حمل توسط یک کشتی، قایق، هواپیما یا وسایل نقلیه جاده ای و راه آهن که توسط یک موسسه تجاری یک دولت متعاقد انجام می شود، به استثنای مواردی که این کشتی، قایق، هواپیما یا وسایل نقلیه جاده ای و راه آهن تنها بین مکانهای واقع در دولت متعاقد دیگر استفاده شوند.

ح - اصطلاح "مقام صلاحیتدار":

- در مورد جمهوری اسلامی ایران، به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز

وی، و

- در مورد ارمنستان، به بازرس مالیاتی دولتی ارمنستان یا نماینده مجاز وی اطلاق

می شود.

خ - اصطلاح "تبعه" اطلاق می شود به:

به تعالی

- هر شخص حقیقی که دارای تابعیت یک دولت متعاقد باشد،
- هر شخص حقوقی که وضعیت خود را به عنوان "تبعه" از قوانین جاری یک دولت متعاقد اخذ می نماید.

۲- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، به جز مواردی که اقتضای متن به گونه ای دیگر باشد، آن معنایی را خواهد داشت که برابر قوانین آن دولت متعاقد، راجع به مالیاتهای موضوع این موافقتنامه دارد.

ماده ۴- مقیم

۱- از نظر این موافقتنامه اصطلاح "مقیم یک دولت متعاقد" اطلاق می شود به هر شخصی که به موجب قوانین آن دولت، به سبب اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت دفتر یا سایر معیارهای مشابه، مشمول مالیات آنجا باشد.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت وی به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف - وی مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد. اگر او در هر دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که با آن روابط شخصی و اقتصادی نزدیکتری دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب - هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد یا اگر در هیچ یک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که بطور معمول در آنجا بسر می برد،

پ - هرگاه او بطور معمول در هر دو دولت متعاقد بسر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، مقیم دولتی تلقی می شود که تابعیت آن را دارد،

ت - هرگاه او تابعیت هر دو دولت را داشته باشد یا تبعه هیچ یک از آنها نباشد، مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد موضوع را با توافق دوجانبه فیصله خواهند داد.

۳- در صورتی که، حسب مقررات بند (۱)، شخصی غیر از شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وی مقیم دولتی تلقی خواهد شد که دفتر ثبت شده اش در آن واقع است.

بسم الله تعالی

ماده ۵- مقرر دایم

۱- از نظر این موافقتنامه، اصطلاح "مقرر دایم" اطلاق می شود به محل ثابت شغلی که از طریق آن، موسسه تجاری یک دولت متعاقد بطور کلی یا جزئی در دولت متعاقد دیگر فعالیت شغلی دارد.

۲- اصطلاح "مقرر دایم" به ویژه شامل موارد زیر است:

الف - محل اداره،

ب - شعبه،

پ - دفتر،

ت - کارخانه،

ث - کارگاه،

ج - معدن، چاه نفت یا گاز، کان یا هر محل دیگر اکتشاف، بهره برداری یا استخراج

منابع طبیعی.

۳- کارگاه خانه سازی، پروژه مونتاز یا نصب ساختمان یا فعالیتهای مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن "مقرر دایم" محسوب می شوند، اما فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیتهای بیش از (۱۲) ماه ادامه داشته باشد.

۴- با وجود مقررات قبلی این ماده، فعالیتهای مشروح زیر از سوی موسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر به عنوان فعالیت از طریق یک "مقرر دایم" تلقی نخواهند شد:

الف - استفاده از تسهیلات، تنها به منظور انبار کردن یا نمایش اجناس یا کالاهای

متعلق به موسسه تجاری،

ب - نگهداری موجودی کالا یا اجناس متعلق به موسسه تجاری تنها به منظور

انبار کردن یا نمایش،

پ - نگهداری موجودی کالا یا اجناس یا کالاهای متعلق به موسسه تجاری، تنها

به منظور آماده سازی آنها توسط موسسه تجاری دیگر،

ت - نگهداری یک محل ثابت شغلی، تنها به منظور خرید کالاها یا اجناس یا

جمع آوری اطلاعات برای آن موسسه،

به تعالی

ث - نگهداری یک محل ثابت شغلی، تنها به منظور انجام تبلیغات، عرضه اطلاعات، تحقیقات علمی، سایر فعالیتهایی که دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد،

ج - نگهداری یک محل ثابت شغلی، تنها به منظور ترکیبی از فعالیتهای مذکور در جزوهای (الف) تا (ث) به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیبات، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵- با وجود مقررات بندهای (۱) و (۲)، در صورتی که شخصی - به غیر از یک نماینده دارای وضعیت مستقل که مشمول بند (۶) می باشد - در یک دولت متعاقد از طرف یک موسسه تجاری دارای اختیار انعقاد قرارداد به نام آن موسسه باشد و آن را بطور معمول اعمال نماید، آن موسسه تجاری در مورد فعالیتهایی که آن شخص برایش انجام می دهد دارای مقر دایم تلقی خواهد شد، مگر آنکه فعالیتهای این شخص محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد که به موجب مقررات بند مزبور چنانچه از طریق یک محل ثابت شغلی نیز انجام گیرند، این محل ثابت شغلی را به یک مقر دایم تبدیل نخواهد کرد.

۶- موسسه تجاری یک دولت متعاقد تنها به سبب آنکه در دولت متعاقد دیگر از طریق یک دلال، حق العمل کار یا هر نماینده مستقل دیگر به انجام امور می پردازد، دارای مقر دایم در آن دولت متعاقد دیگر تلقی نخواهد شد، مشروط بر آنکه عملیات این اشخاص در حدود معمول فعالیت خود آنها باشد.

با این وجود، هرگاه فعالیتهای چنین نماینده ای بطور کامل یا تقریباً کامل به آن موسسه تجاری تخصیص یافته باشد، چنانچه معاملات بین این نماینده و آن موسسه تجاری در شرایط استقلال انجام نگیرد، او بعنوان یک نماینده دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- این واقعیت که شرکتی که مقیم یک دولت متعاقد است، شرکتی را که مقیم دولت متعاقد دیگر باشد یا در قلمرو آن فعالیت می کند، کنترل کند یا به وسیله آن کنترل شود (خواه از طریق یک مقر دایم، خواه بدون آن) به خودی خود کافی نخواهد بود که یکی از آنها مقر دایم دیگری تلقی شود.

بسم تعالی

ماده ۶- درآمد حاصل از اموال غیر منقول

۱- درآمد حاصله توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاقد دیگر (از جمله درآمد حاصله از کشاورزی یا جنگلداری)، می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر شود.

۲- اصطلاح "اموال غیر منقول" به موجب قوانین دولت متعاهدی که مال مورد بحث در آن قرار دارد، تعریف خواهد شد. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیر منقول، احشام و وسایل مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که نسبت به آنها مقررات و حقوق عمومی مربوط به اموال غیر منقول اعمال می شود، حق انتفاع از اموال غیر منقول و حقوق مربوط به پرداختهای متغیر یا ثابت در ازای کار یا حق کار، ذخایر معدنی، چاههای نفت یا گاز، کانها و سایر مکانهای استخراج منابع طبیعی از جمله الوار یا سایر محصولات جنگلی خواهد بود. کشتیها، قایقها، هواپیماها یا وسایل نقلیه جاده ای و راه آهن به عنوان اموال غیر منقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) این ماده در مورد درآمد حاصله از استفاده مستقیم، اجاره دادن یا هر شکل دیگر بهره برداری از اموال غیر منقول جاری خواهد بود.

۴- در صورتی که دارا بودن سهام یا سایر حقوق شراکتی در یک شرکت، مالک این سهام یا حقوق شراکتی را مستحق تمتع از اموال غیر منقول تحت تصرف آن شرکت نماید، درآمد ناشی از استفاده مستقیم، اجاره دادن یا هر شکل دیگر حق تمتع، می تواند مشمول مالیات دولت متعاهدی که اموال غیر منقول در آن واقع است شود.

۵- مقررات بند (۱) و (۳) این ماده به درآمد ناشی از اموال غیر منقول یک موسسه تجاری و درآمد ناشی از اموال غیر منقول مورد استفاده برای ارائه خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد بود.

ماده ۷- منافع تجاری

۱- منافع ناشی از فعالیتهای تجاری که توسط موسسه یک دولت متعاقد حاصل شده فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود، مگر اینکه این موسسه تجاری از طریق مقر دایمی واقع در دولت متعاقد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد.

بمقتضای

چنانچه موسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر، از طریق یک مقرر دایم واقع در آن فعالیت تجاری انجام دهد، منافع آن می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود لیکن فقط قسمتی از آن که مرتبط باشد به:

الف - آن مقرر دایم،

ب - فروش همان نوع یا نوع مشابه کالاها یا اجناس که از طریق آن مقرر دایم در دولت متعاقد دیگر فروخته می شود،

پ - سایر فعالیت های تجاری انجام شده در آن دولت متعاقد دیگر که از همان نوع یا مشابه فعالیت های انجام شده از طریق آن مقرر دایم باشد.

۲- با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتیکه موسسه تجاری یک دولت متعاقد از طریق مقرر دایم واقع در دولت متعاقد دیگر فعالیت نماید، در هر یک از دو دولت متعاقد، آن منافعی جهت مقرر دایم منظور می شود که اگر این مقرر، یک موسسه متمایز و مجزا بود و همان فعالیتها یا مشابه آن را در همان شرایط یا شرایط مشابه انجام می داد و بطور کاملاً مستقلی با موسسه تجاری که مقرر دایم آن می باشد معامله می کرد، ممکن بود تحصیل نماید.

۳- در تعیین منافع یک مقرر دایم، هزینه های قابل قبول از جمله هزینه های اجرایی و هزینه های عمومی اداری (که چنانچه این مقرر دایمی یک موسسه مستقل می بود قابل کسر بود) تا حدودی که این هزینه ها، خواه در دولتی که مقرر دایم در آن واقع است انجام پذیرد و خواه در جای دیگر، برای مقاصد آن مقرر دایم تخصیص یافته باشند، کسر خواهد شد.

۴- در حالتی که در یک دولت متعاقد، روش متعارف برای تعیین منافع قابل تخصیص به مقرر دایم بر اساس تسهیم کل منافع آن موسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع بکار بردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاقد برای تعیین منافع مشمول مالیات نخواهد شد. باین حال نتیجه روش تسهیمی اتخاذ شده باید با اصول این ماده تطابق داشته باشد.

۵- هیچ منافعی به صرف خرید اجناس یا کالاها توسط یک مقرر دایم برای موسسه تجاری، برای آن مقرر دایم تخصیص نخواهد یافت.

۶- منافع تخصیصی به مقرر دایم به همان روش سال به سال تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

بته عالی

۷- در صورتیکه منافع، شامل اقلامی از درآمد باشد که برابر سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه‌ای دارد، مقررات آن مواد تحت تاثیر مقررات این ماده قرار نخواهد گرفت.

ماده ۸- حمل و نقل بین‌المللی

منافع حاصله توسط موسسه تجاری یک دولت متعاقد بابت استفاده از کشتیها، قایقها، هواپیماها یا وسایل نقلیه جاده‌ای و راه آهن، در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۹- موسسات شریک

۱- در صورتی که:

الف - موسسه تجاری یک دولت متعاقد، بطور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه موسسه تجاری دولت متعاقد دیگر شرکت داشته باشد، یا
ب - اشخاص واحدی بطور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه موسسه تجاری یک دولت متعاقد و موسسه تجاری دولت متعاقد دیگر شرکت داشته باشند و در هر یک از دو مورد، شرایط مورد توافق یا وضع شده در روابط تجاری و مالی بین این دو موسسه تجاری متفاوت از شرایطی باشد که بین موسسات تجاری مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه منفعی که باید به خاطر وجود شرایط یادشده، عاید یکی از این موسسات تجاری می‌شد، ولی بعلت آن شرایط عاید نشده است می‌تواند جزو منافع آن موسسه تجاری منظور شده و متناسب با آن مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- در صورتی که یک دولت متعاقد در زمره منافع موسسه تجاری خود، منفعی را منظور نماید - متناسب با آن مشمول مالیات کند - که موسسه دولت متعاقد دیگر در آن دولت دیگر نسبت به آن منافع، مشمول مالیات شده است و منافع یادشده از سوی دولت متعاقد مقدم‌الذکر ادعا شود که منفعی هستند که چنانچه شرایط بین این دو موسسه، مانند شرایط میان دو موسسه مستقل بود عاید آن موسسه می‌شد، در این صورت آن دولت دیگر در مقدار مالیات آن منافع، تعدیل مناسبی به عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی باید سایر مقررات این موافقتنامه لحاظ شود و مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد، در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند نمود.

بیت

ماده ۱۰- سود سهام

- ۱- سود سهام پرداختی توسط شرکتی که مقیم یک دولت متعاقد است به مقیم یک دولت متعاقد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.
- ۲- باین حال، این سود سهام می تواند در دولت متعاقدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام، مقیم آن است و برابر قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لیکن در صورتی که دریافت کننده، مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه تجاوز نخواهد کرد از:
الف - ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص سود سهام، در صورتی که دریافت کننده شرکتی (به غیر از مشارکتها) باشد که حداقل بیست و پنج درصد (۲۵٪) سرمایه شرکت پرداخت کننده سود سهام را بطور مستقیم در اختیار داشته باشد،
ب - پانزده درصد (۱۵٪) مبلغ ناخالص سود سهام در کلیه موارد دیگر.
- ۳- اصطلاح "سود سهام" به گونه ای که در این ماده به کار می رود اطلاق می شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام موسسین یا سایر حقوق، به استثنای مطالبات مربوط به بدهیها، مشارکت در منافع، همچنین درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که برابر قوانین دولتی که شرکت توزیع کننده درآمد مقیم آن می باشد، مشمول همان مقررات مالیاتی باشد که در مورد درآمد بدست آمده از سهام اعمال می شود.
- ۴- هرگاه مالک منافع سود سهام که مقیم یک دولت متعاقد است در دولت متعاقد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است از طریق مقر دایم واقع در آن، به فعالیت شغلی بپردازد یا از طریق یک محل ثابت شغلی واقع در آن خدمات شخصی مستقل ارائه دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می شود بطور موثر مربوط به این مقر دایم یا محل ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود و حسب مورد مقررات ماده (۷) یا (۱۴) اعمال خواهد شد.
- ۵- چنانچه شرکتی که مقیم یک دولت متعاقد می باشد، منافع یا درآمدی از دولت متعاقد دیگر تحصیل نماید، آن دولت متعاقد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد، (به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می شود بطور موثر

بیتعالی

مربوط به یک مقر دایم واقع در آن دولت دیگر باشد)، و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، بطور کلی یا جزئی شامل منافع یا درآمد بدست آمده در آن دولت دیگر باشند.

ماده ۱۱- بهره

۱- بهره حاصله در یک دولت متعاهد و پرداخت شده به یک مقیم دولت متعاهد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- با این وجود، این بهره می تواند در دولت متعاهدی که حاصل می شود، برابر قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، لیکن چنانچه دریافت کننده مالک منافع بهره باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص بهره تجاوز نخواهد کرد.

۳- با وجود مقررات بند (۲)، بهره حاصله در یک دولت متعاهد و کسب شده توسط دولت، وزارتخانه ها، سایر نهادهای دولتی، شهرداریها، بانک مرکزی و سایر بانکهایی که بطور کلی متعلق به دولت متعاهد دیگر می باشند، از مالیات دولت مقدم الذکر معاف خواهد بود.

۴- اصطلاح "بهره" به گونه ای که در این ماده به کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات مربوط به بدهیها، خواه دارای وثیقه باشد یا نباشد و خواه از حق مشارکت در منافع بدهکار برخوردار باشند یا نباشند و به ویژه درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه از جمله حقوق بیمه و جوایز مربوط به اینگونه اوراق بهادار دولتی، اوراق قرضه یا سهام قرضه اطلاق می شود. خسارت تاخیر تادیه از لحاظ این ماده بهره محسوب نخواهد شد.

۵- هرگاه مالک منافع بهره، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که بهره در آنجا حاصل شده از طریق یک مقر دایم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد و مطالبات مربوط به بدهیها که بهره از بابت آن پرداخت می شود بطور موثر مربوط به این مقر دایم باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده جاری نخواهد شد. در این مورد، مقررات ماده (۷) جاری خواهد بود.

۶- بهره زمانی در یک دولت متعاهد حاصل شده تلقی می شود که پرداخت کننده آن،

بسمه تعالی

خود آن دولت، مقام محلی، یا مقیم آن دولت باشد، با وجود این، در صورتی که شخص پرداخت کننده بهره، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد دارای مقرر دایم بوده و بدهی که بدان بهره تعلق می‌گیرد در ارتباط با آن بوده و این بهره بر عهده آن مقرر دایم باشد، در این صورت بهره یادشده، حاصل شده در دولتی تلقی خواهد شد که این مقرر دایم در آن واقع است.

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع بهره یا بین هر دوی آنها و شخص ثالث دیگر، مبلغ بهره‌ای که با توجه به طلب مربوط به بدهی پرداخت می‌شود، بیش از مبلغی باشد که در صورت عدم وجود چنین روابطی بین پرداخت کننده و منتفع تعیین می‌شود، مقررات این ماده فقط در مورد مبلغ اخیر اعمال خواهد شد. در این مورد قسمت مازاد پرداختی، برابر قوانین هر یک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۲- حق الامتیاز

۱- حق الامتیازهای حاصله در یک دولت متعاقد و پرداختی به یک مقیم دولت متعاقد دیگر می‌تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- با این وجود، این حق الامتیازها می‌تواند در دولت متعاقدی که حاصل می‌شود نیز برابر قوانین آن دولت مشمول مالیات شود، لیکن چنانچه دریافت کننده، مالک منافع حق الامتیاز باشد، مالیات متعلقه بیشتر از پنج درصد (۵٪) مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.

۳- اصطلاح "حق الامتیاز" به گونه‌ای که در این ماده بکار می‌رود اطلاق می‌شود به هر نوع وجوه دریافت شده به عنوان ما به ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی و تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا مدل، نقشه، فرمول یا فرآیند سری، اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی، یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی.

۴- هرگاه مالک منافع حق الامتیازها که مقیم یک دولت متعاقد می‌باشد، در دولت

به تعالی

متعاقد دیگری که حق الامتیاز از طریق یک مقر دایمی واقع در آن حاصل می شود، فعالیت شغلی داشته باشد و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می شود بطور موثری باین مقر دایم مرتبط باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) جاری نخواهد بود. در این مورد، مقررات ماده (۷) جاری خواهد بود.

۵- حق الامتیاز زمانی در یک دولت متعاقد حاصل شده تلقی می شود که پرداخت کننده خود آن دولت، یک مقام محلی یا یک مقیم آن دولت باشد. با وجود این در صورتی که شخص پرداخت کننده حق الامتیاز، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد دارای یک مقر دایمی باشد که حق یا اموال موجد حق الامتیاز، بطور موثری مربوط به آن است و این حق الامتیازها بر عهده این مقر دایمی باشد، در این مورد این حق الامتیازها حاصل شده در دولت متعاهدی تلقی خواهند شد که این مقر دایمی در آن واقع می باشد.

۶- در صورتی که به سبب یک رابطه خاص میان پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها با یک شخص ثالث، مبلغ حق الامتیاز پرداختی با توجه به استفاده، حق یا اطلاعاتی که در قبال آنها حق الامتیاز پرداخت می شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی توسط پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط راجع به مبلغ اخیر جاری خواهد بود. در این گونه موارد، بخش مازاد پرداختی، برابر قوانین هر دولت متعاقد و بارعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳- عواید سرمایه ای

- ۱- عواید حاصله مقیم یک دولت متعاقد از نقل و انتقال اموال غیر منقول یاد شده در ماده (۶) و واقع در دولت متعاقد دیگر می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.
- ۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که قسمتی از اموال شغلی یک مقر دایمی را که موسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر دارد، تشکیل دهد یا اموال منقولی که مقیم یک دولت متعاقد به منظور ارائه خدمات شخصی مستقل در دولت متعاقد دیگر در اختیار دارد، از جمله عواید ناشی از نقل و انتقال یک مقر دایم (به تنهایی یا همراه با کل

بسم تعالی

- موسسه)، می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.
- ۳- عواید حاصله توسط موسسه تجاری یک دولت متعاهد از نقل و انتقال کشتیها، قایقها، هواپیماها، یا وسایل نقلیه جاده‌ای یا راه آهن مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی یا اموال منقول مربوط به استفاده از این کشتیها، قایقها، هواپیماها یا وسایل نقلیه جاده‌ای و راه آهن، فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهند بود که دفتر ثبت شده آن موسسه در آن واقع است.
- ۴- عواید حاصله توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی در یک شرکت که دارایی آن بطور مستقیم یا غیر مستقیم بطور عمده از اموال غیر منقول واقع در دولت متعاهد دیگر تشکیل می شود، می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.
- ۵- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد یاد شده در بندهای (۱)، (۲)، (۳) و (۴) فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۴- خدمات شخصی مستقل

- ۱- درآمد حاصله توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیت‌های مشابه از نوع مستقل، فقط در آن دولت متعاهد مشمول مالیات خواهد بود، مگر آنکه این شخص به منظور ارایه فعالیت خود محل کار ثابتی بطور مستمر در دولت متعاهد دیگر در اختیار داشته باشد. چنانچه وی محل ثابتی در اختیار داشته باشد، این درآمد مشمول مالیات دولت دیگر خواهد بود ولی فقط تا حدودی که مربوط به محل ثابت مزبور می باشد.
- ۲- اصطلاح "خدمات حرفه‌ای" به ویژه شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، آموزشی یا پرورشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، مهندسان، وکلای دادگستری، دندانپزشکان، معماران و حساب‌رسان می باشد.

ماده ۱۵- خدمات شخصی غیر مستقل

- ۱- بارعایت مقررات مواد (۱۶)، (۱۸)، (۱۹) و (۲۰) این موافقتنامه، حقوق، مزد و سایر پرداخت‌های مشابه که مقیم یک دولت متعاهد بابت خدمتی دریافت می دارد، فقط مشمول

بتهالی

مالیات همان دولت می باشد مگر آنکه خدمت در دولت متعاهد دیگر انجام شود. چنانچه خدمت بدین ترتیب انجام شود، حقوق حاصل از آن می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر شود.

۲- با وجود مقررات بند (۱)، حقوق حاصله توسط مقیم یک دولت متعاهد بابت خدمتی که در دولت متعاهد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت مقدم الذکر خواهد بود، مشروط بر آنکه:

الف - جمع مدتی که دریافت کننده در یک یا چند نوبت در دولت دیگر به سر برده از (۱۸۳) روز در هر مدت دوازده ماهه ای که در سال مالی مربوط شروع یا خاتمه می یابد تجاوز نکند،

ب - حقوق توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت متعاهد دیگر نیست پرداخت شود، و

پ - حقوق بر عهده مقرر دایمی یا محل ثابت شغلی که پرداخت کننده حق الزحمه در دولت متعاهد دیگر دارد، نباشد.

۳- با وجود مقررات قبلی این ماده، حقوق کسب شده بابت خدمات انجام شده در یک کشتی، قایق، هواپیما یا وسایل نقلیه جاده ای و راه آهن که در حمل و نقل بین المللی مورد استفاده واقع می شوند، مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که دفتر ثبت شده موسسه تجاری در آن واقع است.

ماده ۱۶ - حق الزحمه مدیران

حق الزحمه مدیران و دیگر وجوه مشابه دریافتی توسط مقیم یک دولت متعاهد، در سمت خود به عنوان عضو هیات مدیره شرکتی که مقیم دولت متعاهد دیگر می باشد، می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر شود.

ماده ۱۷ - هنرمندان و ورزشکاران

۱- با وجود مقررات مواد (۱۴) و (۱۵)، درآمدی که مقیم یک دولت متعاهد به عنوان یک هنرمند از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون، یا یک موسیقیدان، یا به عنوان یک

تعلیه

ورزشکار بابت فعالیتهای شخصی انجام شده در دولت متعاقد دیگر کسب می کند، می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیتهای شخصی یک هنرمند یا یک ورزشکار عاید شخص دیگری غیر از خود آن هنرمند یا ورزشکار شود، با وجود مقررات مواد (۷)، (۱۴) و (۱۵)، این درآمد می تواند مشمول مالیات دولت متعاقدی شود که فعالیتهای هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می گیرد.

۳- با وجود مقررات بندهای (۱) و (۲)، درآمد کسب شده توسط یک هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیتهای ارایه شده در دولت متعاقد دیگر، در حدود موافقتنامه فرهنگی منعقد شده بین دو دولت متعاقد، از مالیات آن دولت متعاقد دیگر معاف خواهد بود.

ماده ۱۸- حقوق بازنشستگی

۱- با رعایت مقررات بند (۱) ماده (۱۹)، حقوق بازنشستگی پرداختی به مقیم یک دولت متعاقد به ازای خدمات گذشته، تنها مشمول مالیات آن دولت می باشد.

۲- حقوق بازنشستگی و سایر پرداختهای ادواری یا موردی توسط یک دولت متعاقد بابت بیمه حوادث شخصی، تنها در آن دولت می تواند مشمول مالیات شود.

ماده ۱۹- خدمات دولتی

۱- حقوق، دستمزد و سایر پرداختهای مشابه، غیر از حقوق بازنشستگی، که به وسیله یا از محل صندوقهای ایجاد شده توسط یک دولت متعاقد یا یک مقام محلی آن به یک شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا مقام محلی پرداخت شود، تنها مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

با وجود این، این پرداختها در صورتی تنها مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود که این خدمات در آن دولت انجام شود و آن شخص حقیقی مقیم آن دولت باشد و:

- تابعیت آن دولت را داشته باشد، یا

- تنها به منظور انجام آن خدمات مقیم آن دولت نشده باشد.

۲- مقررات مواد (۱۵)، (۱۶) و (۱۸) نسبت به حقوق و مقرریهای بازنشستگی مربوط

تعالیه

به خدمات انجام شده در خصوص فعالیتهای شغلی انجام شده توسط یک دولت متعاقد یا یک مقام محلی آن جاری خواهد بود.

ماده ۲۰- مدرسان و محصلان

۱- وجوهی که یک محصل یا کارآموز شغلی که تبعه یک دولت متعاقد بوده و تنها به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاقد دیگر به سر می برد برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر نخواهد بود، مشروط بر آنکه این پرداختها از منابع خارج از آن دولت بدست آید.

۲- همینطور، حقوقی که یک مدرس یا معلمی که تبعه یک دولت متعاقد می باشد و در دولت متعاقد دیگر به سر می برد و منظور اولیه از اقامت، تدریس یا انجام تحقیق علمی برای یک دوره یا دوره هایی که از دو سال تجاوز نکند باشد، بابت خدمات شخصی مربوط به تدریس یا تحقیق دریافت می کند، از مالیات آن دولت دیگر معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه این پرداختها از منابع خارج از آن دولت بدست آید.

این بند در مورد درآمد ناشی از تحقیقاتی که بطور عمدی برای منافع خصوصی شخص یا اشخاص معینی انجام می شود جاری نخواهد بود.

ماده ۲۱- سایر درآمدها

۱- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که بطور صریح در مواد قبلی این موافقتنامه ذکر نشده است، فقط مشمول مالیات آن دولت خواهد بود، مگر آنکه این گونه اقلام درآمد از منابع دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشند. چنانچه این اقلام درآمد از منابع دولت متعاقد دیگر حاصل شده باشند، در این صورت می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر هم بشود.

۲- به استثنای درآمد ناشی از اموال غیر منقول به گونه ای که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت کننده درآمد که مقیم یک دولت متعاقد می باشد، در دولت متعاقد دیگر از طریق یک مقر دایمی واقع در آن فعالیت شغلی نماید و حق یا اموالی که در خصوص آن درآمد بدست آمده است بطور موثری باین مقر دایمی مرتبط باشد، مقررات بند (۱) جاری نخواهد بود. در این مورد، اقلام درآمد در آن دولت متعاقد دیگر برابر قوانین آن مشمول مالیات می باشند.

بسم الله

ماده ۲۲- سرمایه

- ۱- سرمایه، متشکل از اموال غیرمنقول یادشده در ماده (۶) که متعلق به مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر واقع است، می تواند مشمول مالیات آن دولت دیگر شود.
- ۲- سرمایه، متشکل از اموال منقولی که جزیی از اموال شغلی مقرر دائمی می باشد که موسسه تجاری یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر دارد یا اموال منقولی که مربوط به محل کار ثابتی است که مقیم یک دولت متعاهد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر در اختیار دارد، می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر شود.
- ۳- سرمایه، متشکل از کشتیها، قایقها، هواپیماها، وسایل نقلیه جاده ای و راه آهن، مورد استفاده در حمل و نقل بین المللی و همچنین اموال منقول مربوط به استفاده از این کشتیها، قایقها، هواپیماها یا وسایل نقلیه جاده ای و راه آهن، فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی خواهد بود که دفتر ثبت شده موسسه در آن واقع است.
- ۴- سرمایه، متشکل از سهام یا سایر حقوق شراکتی در یک شرکت که داراییهای آن بطور عمده از اموال غیرمنقول واقع در یک دولت متعاهد تشکیل شده است، می تواند مشمول مالیات آن دولت متعاهد شود.
- ۵- کلیه موارد دیگر سرمایه مقیم یک دولت متعاهد تنها مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

ماده ۲۳- روش حذف مالیات مضاعف

- ۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاهد درآمدی بدست آورد یا مالک سرمایه ای باشد که برابر مقررات این موافقتنامه، می تواند مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر شود، دولت مقدم الذکر اجازه خواهد داد:
 - الف - مبلغی برابر با مالیات بر درآمد پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود،
 - ب - مبلغی برابر با مالیات بر سرمایه پرداختی در آن دولت دیگر، به عنوان تخفیف از

تعلیه

مالیات بر سرمایه آن مقیم کسر شود،
باین وجود در هر یک از دومی، چنین تخفیفی از آن قسمت از مالیات بر درآمد یا
مالیات بر سرمایه مورد محاسبه قبل از دادن تخفیف که حسب مورد مربوط به درآمد یا
سرمایه‌ای است که می‌تواند در دولت دیگر مشمول مالیات شود، بیشتر نخواهد بود.
۲- در صورتی که برابر هر یک از مقررات این موافقتنامه، درآمد کسب شده یا سرمایه
مقیم یک دولت متعاقد از مالیات آن دولت معاف باشد، با وجود این دولت یاد شده می‌تواند
در محاسبه مبلغ مالیات بر باقیمانده درآمد یا سرمایه این مقیم، درآمد یا سرمایه معاف شده را
منظور کند.

ماده ۲۴- عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر مشمول هیچگونه مالیات
یا الزامات مربوط به آن، سوای یا سنگین‌تر از مالیات و الزاماتی که اتباع دولت متعاقد دیگر
تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا می‌توانند مشمول آن شوند، نخواهند بود. این
مقررات با وجود مقررات ماده (۱)، شامل اشخاصی نیز که مقیم یک یا هر دو دولت متعاقد
نیستند نیز خواهد بود.

۲- وضع مالیات بر یک مقرر دایمی که موسسه تجاری یک دولت متعاقد در دولت
متعاقد دیگر دارد، نامساعدتر از مالیات موسسات تجاری دولت متعاقد دیگر که همان
فعالیتها را انجام می‌دهند، نخواهد بود.

۳- موسسات تجاری یک دولت متعاقد که سرمایه آن بطور کلی یا جزئی به صورت
مستقیم یا غیرمستقیم متعلق یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاقد دیگر می‌باشد، در
دولت مقدم‌الذکر مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، سوای یا سنگین‌تر از
مالیات و الزامات مربوط به آن که سایر موسسات مشابه تجاری دولت مقدم‌الذکر مشمول آن
هستند یا می‌توانند مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۴- این مقررات به گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را ملزم نماید
هر نوع تخفیفات شخصی، معافیتها و بخشودگی مالیاتی را که به دلیل احوال شخصیه یا
مسوولیت‌های خانوادگی به مقیمان خود اعطا می‌نماید، به مقیمان دولت متعاقد دیگر نیز
بدهد.

تعلیه

ماده ۲۵- شیوه توافق دوجانبه

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاقد ملاحظه کند که اقدامهای یک یا هر دو دولت متعاقد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد که منطبق با این موافقتنامه نمی باشد، صرف نظر از تدابیر پیش بینی شده در قوانین ملی آن دولتها، می تواند مورد خود را به مقام صلاحیتدار دولت متعهدهی که مقیم آن است، یا چنانچه مورد او مطابق بند (۱) ماده (۲۴) باشد، به مقام صلاحیتدار دولت متعهدهی که تبعه آن است تسلیم نماید. این مورد می بایست ظرف دو سال از اولین اخطار در مورد اقدامی که منتج به اعمال مالیاتی شده که منطبق با مقررات این موافقتنامه نیست، تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی نتواند خود به راه حل مناسبی برسد، خواهد کوشید که از طریق توافق دوجانبه با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر، به منظور اجتناب از اخذ مالیاتی که منطبق با این موافقتنامه نمی باشد، مورد را فیصله دهد.

۳- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد برای حل هرگونه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه، به طریق توافق دوجانبه کوشش خواهند کرد و نیز می توانند به منظور حذف مالیات مضاعف، در مواردی که در این موافقتنامه پیش بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد می توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین با یکدیگر ارتباط مستقیم برقرار کنند. مقامهای صلاحیتدار از طریق مشاوره شیوه های دوجانبه مناسب، شرایط، روشها و فنون مربوط به اجرای شیوه توافق دوجانبه مقرر در این ماده را توسعه خواهند داد.

ماده ۲۶- تبادل اطلاعات

۱- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد اطلاعاتی را که برای انجام مقررات این موافقتنامه ضروری است یا قوانین داخلی دو دولت متعاقد را در مورد مالیاتهای مشمول این موافقتنامه، تاحدی که وضع مالیات به موجب آن باین موافقتنامه مغایر نباشند، با یکدیگر مبادله خواهند کرد. این تبادل اطلاعات به ماده (۱) محدود نمی شود. هر نوع اطلاعاتی که

تعالیه

به وسیله یک دولت متعاقد دریافت می شود به همان صورتیکه اطلاعات بدست آمده برابر قوانین آن دولت سری می باشد، سری خواهد بود و فقط برای اشخاص یا مقامات از جمله دادگاهها و تشکیلات اداری مرتبط با تشخیص یا وصول، اجرا یا پیگرد یا تصمیم گیری در مورد پژوهش خواهیهای مربوط به مالیاتهای مشمول این موافقتنامه می باشند، افشا خواهد شد. این اشخاص یا مقامها اطلاعات را تنها برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد. آنها می توانند این اطلاعات را در جریان رسیدگی محاکم عمومی یا تصمیمات قضایی فاش سازند.

۲- مقررات بند (۱) در هیچ موردی چنین تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعهد را

و ادار سازد:

الف - اقدامات اداری خلاف قوانین و عرف اداری آن دولت یا دولت متعاقد دیگر

اتخاذ نماید،

ب - اطلاعاتی را فراهم نماید که برابر قوانین یا رویه اداری متعارف آن دولت یا

دولت متعاقد دیگر قابل تحصیل نیست،

پ - اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی،

صنعتی، بازرگانی یا حرفه ای یا فرآیند تجاری شود یا اطلاعاتی که افشای آن خلاف سیاست

عمومی (نظم عمومی) باشد.

ماده ۲۷- مساعدت برای وصول

۱- مقامهای صلاحیتدار دو دولت متعاقد تعهد می کنند در مورد وصول مالیاتها

به انضمام بهره، هزینه ها و مجازاتهای مدنی مرتبط با این گونه مالیاتها که در این ماده به عنوان

"مطالبه بدهی مالیاتی" نامیده خواهد شد، با یکدیگر مساعدت کنند.

۲- درخواست مساعدت از طرف مقام صلاحیتدار یک دولت متعاقد برای وصول

"مطالبه بدهی مالیاتی" باید متضمن گواهینامه ای از طرف آن مقام مبنی بر اینکه برابر قوانین آن

دولت چنین مطالبه بدهی مالیاتی قطعی شده است، باشد. از لحاظ این ماده، "مطالبه بدهی

مالیاتی" وقتی قطعی خواهد بود که یک دولت متعاقد برابر قوانین داخلی خود حق وصول

این مالیات را داشته باشد و مودی مالیاتی هیچ نوع حقی را برای جلوگیری از وصول آن

نداشته باشد.

به تعالی

۳- "مطالبه بدهی مالیاتی" یک دولت متعاقد که وصول آن را مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر پذیرفته است توسط دولت متعاقد دیگر، همانند "مطالبه بدهی مالیاتی" خود آن دولت که به قطعیت رسیده است، برابر قوانین مربوط به وصول مالیاتهای آن وصول خواهد شد.

۴- مبالغ وصول شده توسط مقام صلاحیتدار یک دولت متعاقد به موجب این ماده، به مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر تقدیم خواهد شد. با این وجود، جز در مواردی که مقام صلاحیتدار دولتهای متعاقد به گونه دیگری توافق نمایند، مخارج معمولی هزینه شده برای مساعدت در وصول، بر عهده دولت متعاقد مقدم الذکر خواهد بود و هرگونه مخارج فوق العاده هزینه شده بر عهده دولت متعاقد دیگر خواهد بود.

۵- هیچگونه مساعدتی برای "مطالبه بدهی مالیاتی" یک دولت متعاقد به موجب این ماده، در مورد مودی مالیاتی تاحدی که "مطالبه بدهی مالیاتی" وی مربوط به مدتی است که در طی آن مودی یادشده مقیم دولت متعاقد دیگر بوده است، انجام نخواهد شد.

۶- با وجود مقررات ماده (۲) (مالیاتهای موضوع موافقتنامه)، مقررات این ماده در مورد تمامی مالیاتهای وصول شده توسط یا از طرف یک دولت متعاقد اعمال خواهد شد.

۷- هیچ چیز در این ماده چنین تعبیر نخواهد شد که هر یک از دو دولت متعاقد را وادار سازد اقدامات اداری به کاربرد که از نظر ماهیت متفاوت از اقداماتی باشد که در وصول مالیاتهای خود معمول می دارد یا مغایر با سیاست عمومی (نظم عمومی) آن دولت باشد.

ماده ۲۸- اعضای ماموریتهای سیاسی و مناصب کنسولی

مقررات این موافقتنامه بر امتیازهای مالی اعضای ماموریتهای سیاسی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین الملل یا مقررات موافقتنامه های خاص از آن برخوردار می باشند، تاثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۹- لازم الاجرا شدن

۱- این موافقتنامه در هر یک از دو دولت متعاقد تصویب خواهد شد و اسناد تصویب آن در اسرع وقت مبادله خواهد شد.

بیتعالی

۲- این موافقتنامه با مبادله اسناد تصویب، لازم الاجرا و مقررات آن منشا اثر خواهد

شد:

الف - در مورد مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از تاریخ یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه به بعد، سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، حاصل می شود.

ب - در مورد سایر مالیاتهای بردرآمد و سرمایه، نسبت به مالیاتهای متعلقه برای هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه یا به بعد، سال تقویمی متعاقب سالی که این موافقتنامه لازم الاجرا می گردد، شروع می شود.

ماده ۳۰- فسخ

این موافقتنامه تازمانی که توسط یک دولت متعاهد فسخ شود لازم الاجرا خواهد بود. هر یک از دو دولت متعاهد می تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی با یادداشت فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی متعاقب بعد از دوره پنجساله از تاریخی که موافقتنامه لازم الاجرا می شود، فسخ نماید، در این صورت این موافقتنامه منشا اثر نخواهد بود:

الف - در مورد مالیاتهای تکلیفی، به آن قسمت از درآمدی که از یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، حاصل می شود.

ب - در مورد سایر مالیاتهای بردرآمد و مالیات بر سرمایه، نسبت به مالیاتهای متعلقه برای هر سال مالیاتی که از تاریخ یازدهم دی ماه برابر با اول ژانویه یا به بعد سال تقویمی متعاقب سالی که این یادداشت تسلیم شده است، شروع می شود.

در تایید مراتب بالا، مقامهای صلاحیتدار دو دولت این موافقتنامه را امضا نمودند.

شماره ۸۹۵

تاریخ ۲۰۷۶

پیوست



جمهوری اسلامی ایران

مجلس شورای اسلامی

دفتر رئیس

بسم الله

این موافقتنامه در دو نسخه در تهران، در تاریخ شانزدهم اردیبهشت ماه سال یکهزار و سیصد و هفتاد و چهار هجری شمسی برابر با ششم ماه می سال یکهزار و نهصد و نود و پنج میلادی به زبانهای فارسی، ارمنی و انگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود. /ن

از طرف دولت جمهوری اسلامی ایران از طرف دولت جمهوری ارمنستان

لایحه فوق مشتمل بر ماده واحده منضم به متن موافقتنامه شامل مقدمه و سی ماده در جلسه علنی روز یکشنبه مورخ سی و یکم فروردین ماه یکهزار و سیصد و هفتاد و شش به تصویب مجلس شورای اسلامی رسیده است. /ن

علی اکبر ناطق نوری

رئیس مجلس شورای اسلامی